

ملاحظات

رسالة سلوك، هفت وادی (بعد مراتب سیر سالکان را ... بعضی هفت وادی و بعضی هفت شهر ذکر کرده اند)	عنوان
	وجه تسمیه لوح به عنوان مذکور
حضرت بهاء الله	صاحب اثر
پس از بازگشت از سلیمانیه	سال نزول
بغداد	محل نزول
فارسی، مطلع و خاتمه به عربی	لسان نزولی
	لحن نزولی
	کلام نزولی
آثار قلم اعلی، جلد ۳، صفحات ۱۳۷ - ۹۲	مصدر
نفعات ظهور حضرت بهاء الله، جلد ۱، صص ۱۱۴-۱۰۹	
سفینه عرفان، جلد ۲	
بسم الله الرحمن الرحيم	مطلع
الحمد لله الذي اظهر الوجود من العدم ورقم على لوح الانسان من اسرار القدم وعلمه من البيان ما لا يعلم ...	
و انك لو تسمع نغمات هذه الطير الفانية لتطلب من الكؤوس الباقية الدائمة وتترك الكؤوب الفانية الزائلة والسلام على من اتبع الهدى.	انتهای لوح
در جواب سؤالات شیخ محی الدین قاضی شهر خانقین	مخاطب
	اسامی نفوس مذکوره
	اسامی اماکن مذکوره
	الواح دیگر مذکور در متن این لوح

	الواح دیگر با همین عنوان
	مواضيع و الواح دیگر که با مطالب این لوح شباهت و ارتباط دارند
	نصایح و انذارات احکام
	اشارات به کتب مقدسه قبل
	مناجاتهای نازلہ در متن لوح
	شئونات و سبک نزولی
	ترجمه های این لوح
	ترجمه های غیر رسمی
	منابع فارسی
	منابع عربی
	منابع انگلیسی
	نسخه شناسی
	به خط
	نوع نسخه

سایر ملاحظات

۱	شیخ محیی الدّین از پیروان طریقت تصوّف بوده و گرچه پیرو آئین بابی نبوده است ولیکن جمال اقدس ابهی را همواره ستایش می نموده است.
۲	شیخ محیی الدّین طی نامه ای نکات و سوالات خود را در باره مسائل عرفانی با حضرت بهاءالله مطرح نموده بود.
۳	اگرچه مطالب این لوح و طرق عرضه حقایق عالیّه با آثار پیروان طریقت تصوّف شباهت دارد لکن بیقین میتوان گفت که مظهر ظهور الهی و عقل کلی ربّانی نظر به فضل خود بر خلق به ذکر این بیانات مشغول گشته و جواهرات عالیّه عرفانی را در قمیص شئونات امکانی عرضه مینماید تا آنکه عظمت امرالله اسباب احتجاب خلق را فراهم ننماید و جلال ظهورالله سبحات امکانی را خرق نماید و قلوب صادقین را به کعبه مقصود رهنمون شود.
۴	وجه تسمیّه این اثر در رساله سلوک بر اساس بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء و مولای بیهمتا حضرت ولی مقدّس امرالله میباشد: قوله تعالی "هفت وادی" به جهت سیر و سلوک نارل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب ... درویشی که از قلم اعلی تحریر یافت معنیش فحوای رساله سلوک است و بسیار مقبول" (اسرار الآثار جلد ۳ صص ۲۴۴-۲۴۲) و همچنین قوله الاحلی: "کتاب مستطاب ایقان و صحیفه فاطمیّه و رساله سلوک متتبعاً از قلم اعلی جاری گشت و مراتب سلوک سالکین معلوم و واضح شد" (حضرت ولی امرالله: توقیع ۱۰۱ بدیع ص ۳۲)
۵	سید کاظم رشتی نیز صاحب اثری به همین نام یعنی رساله سلوک میباشد این اثر توسط حسن ابن التّبریزی الخسرو شاهی ترجمه گردیده است.
۶	حضرت ربّ اعلی نیز صاحب اثری تحت عنوان رساله سلوک میباشد. این اثری است که قبل از بعثت حضرت نقطه اولی از یراعه مبارکه عزّ نزل یافته است.
۷	طریقه قادریّه طریقتی است که به عبدالقادر گیلانی (متوفی ۴۷۱ ه ق) منسوب است - این همان طریقتی است که جمال اقدس ابهی در لوح اتحاد که از الواح نازله در عکا میباشد بدان اشاره فرموده اند قوله تعالی: "بعضی از ناس ادّعی شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و می نمایند. کاش به دارالسلام می رفتند در تکیه قادریّه ملاحظه می نمودند و متنبّه می شدند...
۸	رساله هفت وادی با رساله جواهر الاسرار ارتباط مستقیمی دارد چه که در هر دو اثر ذکر هفت وادی مراحل سیر و سلوک عرفانی موجود است اگرچه بیش از دو ثلث جواهر الاسرار در ذکر مراتب هفت

<p>وادی است اما بین ترتیب وادی ها در دو اثر اختلاف موجود است . در جواهر الاسرارشش وادی عبارتند از (طلب، عشق، توحید، حیرت، فناء فی الله و استغنا) در حالی که در هفت وادی ترتیب (طلب، عشق، معرفت، توحید، استغنا، حیرت، فناء فی الله و بقاء بالله) موجود است.</p>	
<p>این امر با منطق الطیر عطار در اصول و اهمّ مطالب شباهت صوری دارد (نه حقیقی) حال آنکه ترتیب وادی ها مختلف می شود. در منطق الطیر طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، و غنا و فقر آمده است در حالی که در هفت وادی توحید قبل از استغنا می آید. این تفاوت اگرچه فی الظاهر جزئی است ولیکن در حقیقت جوانب عرفانی مواضع الهی بهائی را ممیز و مشخص مینماید چه که بر اساس بیانات جمال کبریا معرفت اگرچه در عالیترین مقام خود در نظر گرفته شود از جمله عالم محدودات و آخرین مرحله عالم حدود است لذا استغنا حقیقی نبخشد و حیات ابدی عطا ننماید حال آنکه اگر در آیات جمال قدم بدیده بصیرت نظر گردد جوهر استغنا من بعد ورود به وادی توحید و سیر مدارج تجرید نصیب عارفان کوی مقصود میگردد و از این جهت است که بعد از مرحله توحید می آید.</p>	۹
<p>در هفت وادی اشارات زیادی به آیات قرآنی و احادیث نبوی موجود است این اشارات و منقولات با تفسیر حقیقی مظهر ظهور نیز همراه است. اگر نفسی کما هو حقّه میل به درک آیات نازله در کتب آسمانی را داشته باشد بر او فرض بل واجب است که آن آیات را در خلل این تبینات نازله از قلم مظهر امرالله تفهیم بنماید تا شاید موفق به خرق حجابات نفس و هوی گشته عبده اوئان اوهامات نگردد.</p>	۱۰
<p>آیات قرآنی که در این اثر جلیل القدر مورد استفاده قرار گرفته اند بشرح ذیل است:</p>	۱۱
<p>۱- ایا ما تدعوه الا السماء الحسنی (قسمتی از آیه ۱۱۰ در سوره ۱۷)</p>	
<p>۲- اتقوا الله يعلمکم الله (قسمتی از آیه ۲۸۲ در سوره ۲)</p>	
<p>۳- فاسلکی سبل ربک ذللاً" و" کلی من کل الثمرات" (قسمتی از آیه ۶۹ در سوره ۱۶)</p>	
<p>۴- مجاهدین کعبه فینا به بشارت " لنهدینهم سبلنا" مسرورند (کلماتی از آیه ۶۹ سوره ۲۹)</p>	
<p>۵- هل من مزید (قسمتی از آیه ۳۰ سوره ۵۰)</p>	
<p>۶- ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور (قسمتی از آیه ۳ سوره ۶۷)</p>	
<p>۷-</p>	
<p>۸- انا لله و انا الیه راجعون (قسمتی از آیه ۱۵۶ سوره ۲)</p>	
<p>۹- قل کلّ من عند الله (قسمتی از آیه ۷۷ سوره ۴)</p>	
<p>۱۰- ولویؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابة ولكن یؤخرهم الی اجل مسمی (قسمتی از آیه ۴۵ سوره ۵۳)</p>	

۱۱- عیناً یشرب بها المقربون (آیه ۸۲ ص ۳۵)
۱۲- هو الاول والآخر والظاهر والباطن (قسمتی از آیه ۳ سوره ۵۷)
۱۳- یوم یغنی الله کلاً من سعته (قسمتی از آیه ۱۳۰ سوره ۴ به عبارتی بدیع)
۱۴- جعلنا الیوم بصرک حدیداً (قسمتی از آیه ۲۲ سوره ۵۰)
۱۵- لن نصینا الا ما کتب الله لنا (قسمتی از آیه ۵۱ سوره ۹)
۱۶- والسّلام علی من اتّبع الهدی (قسمتی از آیه ۴۷ سوره ۲۰)
۱۷- انّ الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافوراً (آیه ۵ سوره ۷۶)
۱۸- کلّ شیء هالک الا وجهه (قسمتی ۱. آیه ۸۸ سوره ۲۸)
۱۹- وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم (آیه ۲۱ سوره ۱۵)

اهم مواضع موجود در این لوح

۱	توصیف مقام حضرت رسول اکرم
۲	مظاهر ظهور مطلع جمیع اسماء حسنی میباشد
۳	وادی طلب مرکبش صبر است "اول وادی طلب است مرکب این وادی صبر است."
۴	شرایط طلب : پاکی دل ، عدم تقلید ، مسدود نمودن ابواب دوستی و دشمنی
۵	مسافرا راه حقیقت باید خود را از جمیع آنچه موجود است منقطع سازد و به جستجوی آزاد و فارغ از شئونات عرضیه متمسک شود
۶	اگر کسی به جدیت تمام دنبال حقیقت رود به مقصود واصل می شود.
۷	وادی عشق مرکبش درد است "مرکب این وادی درد است اگر درد نباشد هرگز این سفر تمام نشود."
۸	در وادی عشق "سالک از غیر خود بیخبر است نه جهل و علم داند و نه شک و یقین....."
۹	عشق در هر آنی عالمی بسوزد و در هر دیاری علم برافروزد ویران سازد. در سلطنتش عاقلانرا مقری نه نهنگ عشق ادیب عقل را بلعد...
۱۰	باید بنار عشق حجابهای شیطانی سوخته شود تا روح برای ادراک مراتب "سید لولاک" لطیف و پاکیزه گردد...
۱۱	در وادی معرفت "از شکّ بیقین آید و از ظلمت ضلالت هوی بنور هدایت تقوی راجع گردد و چشم بصیرتش باز شود و با حبیب خود برآز مشغول گردد... در آفرینش حقّ بینش مطلق و مخالف و مغایر نبیند... در ظلم عدل بیند و در عدل فضل مشاهده کند در جهل علمها مستور بیند و در علمها صد هزار حکمتها آشکار و هویدا ادراک نماید.
۱۲	مسافران حدیقه عرفان چون آخر را در اول بیند لهذا در جنگ صلح و در قهر آشتی ملاحظه کنند."
۱۳	وادی معرفت آخرین مقام تحدید است و از این جهت است که اول و آخر ملحوظ گردد و حال آنکه نفوسی که در وادیهای فوق معرفت ساکنند از این شئونات محدوده فارقد "اول و آخر را یک بیند نه اول بیند نه آخر لا اول و لا آخر بینند ... لا اول لا آخر هم نبینند از اولها درگیرند باخراها در ستیز زیرا که عوالم اسماء را طی نموده اند و از عوالم صفات چون برق در گذشته اند.
۱۴	وادی توحید: "در این مقام حجاب کثرت بردرد و از عوالم شهوت برپرد و در سماء وحدت عروج نماید."

<p>۱) وصف اسم و رسم از خود نبیند وصف خود را در وصف حقّ بیند و اسم حقّ را در اسم خود ملاحظه نماید.</p>	<p>۲) " در اشیاء بنظر توحید مشاهده کند اشراق تجلی شمس الهی را ... بر همهٔ ممکنات یکسان بیند و انوار توحید را بر جمیع موجودات موجود و ظاهر مشاهده کند.</p>
<p>۳) " جمیع اختلافات عوالم کون که در مراتب سلوک سالک مشاهده میکند از نظر خود سالک است."</p>	<p>۴) " نظر سالک وقتی در محل محدود است یعنی در زجاجات سیر مینماید اینست که زرد و سرخ و سفید بیند بعضی نظر باشراق ضوء دارند و برخی از خمر وحدت نوشیده اند جز شمس چیزی نبینند پس بسبب سیر این سه مقام مختلف فهم سالکین و بیان ایشان مختلف میشود این است که اثر اختلاف در عالم ظاهر شده و میشود. زیرا که بعضی در رتبهٔ توحید واقفند و از آن عالم سخن گویند و برخی در عوالم تحدید قائمند و برخی در مراتب نفس بالمره محتجبند. "</p>
<p>۵) ای برادر من قلب لطیف بمنزلهٔ آینه است ان را به صیقل حبّ و انقطاع از ما سوی الله پاک کن تا آفتاب در آن جلوه نماید و صبح ازلی طالع گردد.</p>	<p>۶) مبدا در این بیانات رایحهٔ حلول و یا تنزلات عوالم حقّ در مراتب خلق رود ... زیرا که بذاته مقدّس است از صعود و نزول و از دخول و خروج لم یزل از صفات خلق غنی بوده و خواهد بود و شناخته او را احدی و بکنه او راه نیافته نفسی ... منزّه است از ادراک هر مدرکی و متعالی است از عرفان هر عارفی السبیل مسدود و الطّلب مردود دلیله آیاته و وجوده اثباته.....</p>
<p>۷) "بلی این ذکرها که در مراتب عرفان ذکر میشود معرفت تجلیات آن شمس حقیقت است که در مرایا تجلی میفرماید ... از برای تجلیات هم دخول و خروج نیست تا چه رسد بان جوهر وجود و سرّ مقصود"</p>	<p>۸) " العلم نقطة کثیرها الجاهلون "</p>
<p>۹) اگر چه عوالم الهی نامتناهی است و لکن بعضی چهار رتبه ذکر کرده اند عالم زمان و آن آنست از برای او اول و آخر باشد و عالم دهر یعنی اول داشته باشد و آخرش پدید نباشد و عالم سرمد که اولی ملاحظه نشود و آخرش مفهوم شود و عالم ازل که نه اولی مشاهده شود و نه آخری ...</p>	<p>۱۰) سفرهای سبیل عشق را چهار شمرده اند من الخلق الی الحقّ و من الحقّ الی الخلق و من الخلق الی الخلق و من الحقّ الی الحقّ ...</p>
<p>بسیار بیانات از عرفا و حکمای قبل هست که بنده متعرض نشدم و دوست ندارم که اذکار قبل بسیار اظهار شود. زیرا که اقوال غیر با ذکر نمودن دلیل است بر علوم کسبی نه بر موهبت الهی و لکن اینقدر هم که ذکر شد بواسطهٔ عادت ناس است و تأسی باصحاب ... (فضل مظهر امر)</p>	<p>۱۵</p>

۱۶	این بنده خود را در ساحت یکی از احبّای خدا معدوم میدانم و مفقود می شمرم تا چه رسد در بساط اولیاء فسبحان الله.. (عبودیت مظهر امر)
۱۷	اولیّت و آخریّت از شؤونات نسبی عالم امکان است و در عالم حقیقت اول و آخری وجود ندارد " ...بأنّه هو الأوّل والآخِر والظاهر والباطن و این ذکرها در مراتب عوالم نسبت ذکر میشود و آلا آن رجالی که بقدمی عالم نسبت و تقیید را طی نموده اند و بر بساط خوش تجرید ساکن شده اند ...جمع این نسبتها را بناری سوخته اند و همه این الفاظ را بنمی محو نموده اند و دریم روح شناوری مینمایند و در هوای قدس نور سیر میکنند دیگر الفاظ در این رتبه کجا وجود دارد تا اول یا آخر یا غیر اینها معلوم شود و مذکور آید در این مقام اول نفس آخر و آخر نفس اول است."
۱۸	وادی استغنا " در این وادی نسایم استغناى الهی را بیند... از حزن بسرور درآید و از غم بفرح راجع شود ... اگر در ظاهر بر خاک ساکنند اما در باطن بر رفرف معانی جالس ... سالک در این رتبه جمال دوست را در هر شیئی بیند..."
۱۹	وادی حیرت " ... در بحرهای عظمت غوطه میخورد و در هر آن بر حدّتش می افزاید گاهی هیکل غنا را نفس مفقود...؟؟؟؟؟ " " ...بلی ای برادر اگر در هر خلقی تفکر بناییم صد هزار حکما بالغه بینیم و صد هزار علوم بدیعه بیاموزیم... تفکر در تمامیت خلق انسان کن که این همه عوالم و این همه مراتب در او منظوری و مستور شده ... "
۲۰	" جهدی باید که رتبه حیوانی معدوم کنیم تا معنی انسانی ظاهر شود..."
۲۱	ای دوست دل که محل اسرار باقیه است محل افکار فانیه مکن و سرمایه عمر گرنامه را باشتغال عالم قدسی بتراب دل مبند و اهل بساط اسنی وطن خاکی مپسند"
۲۲	وادی فقر " این رتبه مقام فنای از نفی و بقای بالله است و فقر از خود و غنای بمقصود است یعنی فقر است از آنچه در عالم خلق است و غنی است به آنچه در عوالم حق است."
۲۳	" در این مقام واصل مقدّس است از آنچه متعلّق بدنیاست ... زیرا که آنچه نزد خلق است محدود است بحدود ایشان و آنچه نزد حقّ است مقدّس از آن ... "
۲۴	" ای حبیب من بفنحات روح را به جان و دل گوش کن و چون بصر حفظش بنما ... "
۲۵	قدر فیوضات الهی را دانستن " همیشه ایام معارف الهی بمثابه ابر نیسانی بر اراضی قلوب انسانی جاری نیست اگر چه فیض فیاض را تعطیلی و تعویقی نه ولکن هر زمان و عصر را رزقی معلوم و نعمتی مقدّر است ... "

